

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، خانواده و تربیت جنسی
اردیبهشت ۱۳۹۴، ص ۱۳۸-۱۱۳

تأملی بر نقش آفرینی وارونه متصدیان تربیت جنسی و ترسیم رسالت مطلوب هر یک از آنها از منظر مشاوران و کارشناسان دینی مدرسه

نعیمه شفیعی اپورواری / دانشجوی فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید باهنر کرمان^۱
مراد یاری دهنوی / استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید باهنر کرمان^۲

چکیده

امروزه آگاه ساختن به موقع، به همراه اطلاعات درست و صحیح در مقوله‌های تربیت جنسی از وظایف مهم خانواده، مدرسه و رسانه‌های ارتباطی می‌باشد. هدف از انجام این پژوهش نشان‌دادن ضرورت تربیت و آموزش جنسی، چرایی و چگونگی و عملکرد فعلی نهادهای مذکور در این مقوله است. این سه نهاد علی‌رغم دغدغه‌های بسیاری که در این زمینه دارند، گاه وظایف و کارکردی وارونه انجام می‌دهند که موجب عدم آموزش مناسب در خصوص مسائل جنسی می‌شود. بنابراین فاصله‌ای میان عملکرد موجود نهادهای مربوط و وضعیت مطلوب به وجود می‌آید؛ به گونه‌ای که هرچه مشکلات و مسائل جنسی در جامعه بیشتر باشد نشان‌دهنده شکاف عمیق‌تری میان این دو حالت است. از این رو لازم است تا با ایجاد آگاهی و بینش و کنار گذاشتن شرم و حیای مذموم که در جامعه حاکم است موجبات بهبود این رویه را فراهم کرد. در این راستا این پژوهش به منظور مشخص ساختن مولفه‌های تربیت جنسی و رسالت نهادهای مذکور با استفاده از روش پدیدار شناسی و زیست نگاری و با بهره‌گیری از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و پرسش‌های کتبی باز پاسخ با پنج مشاور و چهار کارشناس دینی مدارس به عنوان نزدیک‌ترین افراد با مقوله‌ی مشکلات جنسی انجام شده است. نتایج بدست آمده‌ی این پژوهش حاکی از اهمیت و ضرورت لزوم تربیت جنسی توسط خانواده، مدرسه و رسانه‌ها می‌باشد که متأسفانه به دلیل شرم و حیای مذموم و عدم بینش و آگاهی صحیح و دلایلی از این قبیل عملکردی وارونه را در این زمینه انجام می‌دهند.

کلید واژه‌ها: تربیت جنسی، متصدیان، خانواده، مدرسه، رسانه، انحرافات جنسی.

1 . naghme.sh69@yahoo.com

2 . myaridehnavi@gmail.com

مقدمه

روابط جنسی برخلاف تصور اکثر آحاد جامعه که تصور می‌کنند تنها پاسخگویی به نیاز جنسی است، دارای سه جنبه اساسی می‌باشد: لذت، مهر و محبت و تولیدمثل؛ که در واقع جداسازی این عوامل از یکدیگر بسیار دشوار است (دانیلو A. daninos، ترجمه پویان، ۱۹) چرا که تمامی انسان‌ها میل و گرایش به سوی شکوفا شدن استعدادهای فطریشان دارند؛ اما تربیت صحیح زمانی شکل می‌گیرد که این استعدادهای طبیعی و فطری انسان در جهت صحیح شکوفا شده و پرورش داده شود. شکوفا شدن استعدادهای انسان موجبات شادمانی و تعادل روحی و آرامش وی را فراهم کرده و ممانعت و در فشار قرار دادن آن سبب اضطراب و ناراحتی و افسردگی و حتی جنایات و انحرافات بسیاری می‌شود (مطهری، ۵۷). لذا گزینه جنسی همانند تمامی گرایزی که خداوند در وجود انسان نهاده نیاز به شکوفایی دارد اما در مورد به فعلیت رساندن این گزینه نظریات و دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارند.


سه رویکرد غالب به تربیت جنسی (Sexual education) از دیدگاه شهید مطهری (۱۳۸۹) به شرح زیر می‌باشند: دیدگاه اول از هرگونه ارضای جنسی ممانعت می‌کند و معتقد است که ارضای جنسی انسان را از رسیدن به کمال باز می‌دارد، پایه و اساس این رویکرد بر پلیدی گزینه جنسی، ریاضت طلبی و رهبانیت است و دوری از ازدواج و تشکیل خانواده؛ طرد تعلقات و لذت‌های دنیوی و تحریم آگاهی‌های جنسی را جایز و حتی واجب می‌داند. این عقاید و آراء را می‌توان در دوران حاکمیت کلیسادر اروپا، آیین برهمنی (Berahmanism)، آیین جایینی (Jainism)، آیین مانی (Many) و بودایی (Buddhism) و در میان یهودیان و مسیحیان مشاهده کرد که از آن به نام رویکرد مبتنی بر رهبانیت و اخلاق کهن جنسی نیز یاد می‌شود.

رویکرد دوم به روابط جنسی، تحت عنوان اخلاق جنسی لیبرال (Sexual revolution) یا اخلاق نوین جنسی (New sexual morality) معتقد است که، نقطه‌ی آغاز آن به دوران نسانس در اروپا باز می‌گردد. از صاحب‌نظران این رویکرد می‌توان به مارکس، فروید و راسل اشاره کرد که معتقدند باید جلوی تحریم‌های جنسی را گرفت و آزادی جنسی را رواج داد چراکه در غیر این صورت عقده‌هایی در باب مسائل جنسی در فرد شکل می‌گیرد که منجر به بروز جرم و جنایت می‌شود.

دیدگاه سوم به غریزه‌ی جنسی رویکرد اسلامی است که مبتنی بر اعتدال است، و افراط و تفریط دو رویکرد فوق در آن مشاهده نمی‌شود. در اسلام نه تنها غریزه جنسی قبیح نیست بلکه عاملی است که انسان از طریق آن می‌تواند به کمال برسد و با توجه کردن به همین غریزه عشق و محبت در میان همسران حاصل می‌شود و بهره‌مند شدن از آن شرط تکامل معنوی انسان و از وسایل رسیدن به سعادت واقعی است. بنابراین اسلام انگیزه‌های جنسی را انکار نکرده و خواهان سرکوب آن‌ها نیست و از طرفی با آزادی‌های بی‌قید و بند نیز مخالف است و معتقد به کنترل و تعدیل و ارضای مشروع این غریزه است (مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و غرب، ۱۳۸۹).

بنابراین غریزه جنسی که در وجود انسان نهاده شده، همانند سایر غرایز بشر امکان شکوفایی و به کمال رساندن انسان را دارد و اما همین غریزه اگر به روشی نادرست به فعلیت رسد موجب تباهی انسان خواهد گشت خواه در جهت افراط باشد و خواه در جهت تفریط، لذا ضرورت تربیتی صحیح و اسلامی با حد تعدیل و به دور از افراط و تفریط، در این حوزه از اهمیت بالایی برخوردار است.

اخلاق نوین جنسی رویکرد اسلامی اخلاق کهن جنسی



از طرفی تربیت جنسی در مورد همه‌ی رفتارها، صفات و خصلت‌های مرتبط با غریزه جنسی بحث می‌کند، چه آن رفتارها قابل مدح و ذم و چه عادی و غیر قابل مدح و ذم باشند. بنابراین قلمرو تربیت جنسی بسیار وسیع و گسترده است و مسائل مربوط به اخلاق جنسی را نیز در برمی‌گیرد. علاوه بر آن تربیت جنسی چگونگی آشنا شدن با راهکارهای عملی و عینی چگونه اعتدال بخشیدن، هدایت و جهت دادن غریزه جنسی و راه و رسوم مصون ماندن از لغزش‌ها و آسیب‌های جنسی را، آن هم به صورت کاربردی و عینی به همراه دارد (بهشتی، ۹۳).

عوامل بسیاری نیز در تربیت جنسی موثر اند که اگر در برابر تاثیرهای این عوامل نادرست، آگاهی‌های درست و به هنگام به نوجوانان داده نشود عقاید، افکار و احساسات و نگرش‌های آنان تحت تاثیر این عوامل مخرب واقع شده و در آینده ناظر تضاد‌هایی خواهیم بود که بنیادهای خانواده را تهدید می‌کنند (طاهرپور، ۵۳). بنابراین اهمیت آموزش‌هایی متناسب با

رویکرد جامعه مان به عنوان یک جامعه اسلامی برای آماده سازی نوجوانان و جوانان و جلوگیری از انحرافات جنسی ضروری به نظر می‌رسد. در میان عوامل تاثیر گذار نقش نهاد خانواده، مدرسه و رسانه‌های ارتباطی بسیار مورد توجه است.

خانواده به عنوان اولین نهادی است که کودک در آن پای می‌گذارد. برخلاف تصور عده‌ای از والدین که کودکان خود را موجوداتی کر و لال می‌پندارند، آنان از سن ۶ سالگی و گاهی زودتر به بسیاری از روابط و مسائل میان والدینشان آگاه می‌شوند (قائمی، ۸۸). بنابراین محیط خانه و رفتارهای اعضای خانواده باید به گونه‌ای باشد که موجب بیداری زودهنگام نشوند. همیشه این سخن را شنیده‌ایم که مدرسه خانه دوم دانش‌آموزان است و آیا خانه، مدرسه‌ی اول کودکان و فرزندان ما نیست؟

مدرسه نیز نهادی است که نقش بسیار مهمی در تربیت جنسی دارند. مشاوران مدرسه در این میان نقش بسیار پررنگی را ایفا می‌کنند. البته در مدرسه علاوه بر فراگیری دروس مختلف روابط دانش‌آموزان با یکدیگر و نقش دوستان در پاسخگویی به سوالات یکدیگر بسیار موثر است، که متاسفانه اطلاعات ناقص و توهم آمیز سبب بیداری و پیدایش بسیاری از مشکلات جنسی می‌شود (همان، ۹۹). از طرفی اولیاء مدرسه موظف‌اند آموزش‌های نادرست خانواده را تصحیح کنند چرا که تنها با داشتن اطلاعات و دانش جامع می‌توان در برابر آسیب‌های احتمالی مقاومت کرد (انله I. ehnlle، ترجمه خلیلی، ۱۸۰). بنابراین آموزش‌های درست و به‌هنگامی که از خانه و توسط والدین آغاز می‌شود باید با سیر تکاملی آموزش‌های مدرسه همسو و متوازن باشد.

عامل تاثیرگذار دیگر و نقش آن در تربیت جنسی رسانه‌های ارتباطی (Communication media) می‌باشند، امروزه با گسترش وسایل ارتباطی و فضای مجازی بسیاری از آگاهی‌ها و اطلاعات زودتر و به صورت نادرست به کودکان و نوجوانان آموزش داده می‌شود. در این میان رسانه‌های تصویری نقشی تاثیرگذارتر ایفا می‌کنند؛ چراکه کودکان و نوجوانان معتقد هستند و رای جذابیت و سرگرمی برنامه‌های تلویزیونی می‌توانند چیزی از آن یاد بگیرند. این برنامه‌ها آموزش‌هایی مانند چگونه زیباتر بودن و آرایش کردن، چگونه راه رفتن و صحبت کردن، مدل‌های جدید لباس و مو و... و برخی جزئیات مربوط به آداب و رسوم را به آن‌ها می‌آموزد (شرام W. schramm، لایل J. lyle و پارکر E. Bparker، ترجمه

N. حقیقت کاشانی، ۹۱). اما میزان تاثیر و نقش رسانه‌ها به قدری است که نیل پستمن (postman) از آن به عنوان عاملی در «زوال دوران کودکی» (The disappearance of childhood) نام می‌برد. نقش موثر کودکان و نوجوانان در رسانه‌های تصویری برای نشان دادن مانکن‌ها و پیام‌های بازرگانی و صحنه‌های عرضه‌ی مد لباس با حالات و عشوهای خاص، از این موارد است. از طرفی شبیخون نظام صنعتی و کارآمدترین ابزار آن، تلویزیون نزدیک به دو دهه است که خط فاصل میان دوران کودکی و بزرگسالی را برداشته و امروزه در حالی یک کودک هیجده ماهه به تماشای تلویزیون می‌نشیند که هیچ تفاوتی میان برنامه‌های کودکان و بزرگسالان وجود ندارد (پستمن، ترجمه طباطبایی، ۸-۹).

بنابراین باتوجه به چنین روند در حال رشدی که هر روزه برنامه‌ی جدید و نوپایی برای گمراهی نوجوانان ما طراحی می‌کنند و حضور تام ماهواره‌ها در کشور، ضرورت دارد رسانه‌های ملی نیز تدابیری در این زمینه بیاندیشند، همچنین نقش الگویی چهره‌های برجسته‌ی رسانه‌های تصویری ملی رسالت بسیار مهمی را در این خصوص دارند؛ چرا که در هر اجتماعی مدل‌ها و الگوهای وجود دارند که افراد عملاً از آن‌ها تقلید می‌کنند حال اگر این مدل‌ها مناسب باشند تربیت نیز به صورت شایسته اتفاق می‌افتد و اگر ناپسند باشند باعث ایجاد عوامل مخرب و لغزش‌هایی در این خصوص می‌شوند (قائمی، ۹۹).

لذا این پژوهش به دنبال آن است تا از ورای مصاحبه با گروهی از دست اندرکاران مدرسه که آگاه از مسائل زیرپوست تربیت جنسی هستند و تجربیات لازم را در این خصوص به صورت عملی مشاهده کرده‌اند مولفه‌هایی از تربیت جنسی چون ضرورت آن، متصدیان آن، عملکرد موجود و مطلوب آن را مورد ارزیابی قرار دهد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی کیفی مشتمل بر روش پدیدارشناسی می‌باشد. در این پژوهش هدف کشف ساخت ذهنی کنشگران است، به طوری که کنشگر در حالتی از آگاهی در مورد پدیده‌ای قرار می‌گیرد، که گویا تلاش می‌کند تا از سوءگیری‌ها، تعصبات و عقاید روزمره آزاد شود. لذا در انجام چنین پژوهش‌هایی پژوهشگر با افرادی سروکار دارد که با پدیده مورد بررسی ارتباط نزدیکی دارند و وی خود را در جریان تجربه آن‌ها قرار می‌دهد. بدین ترتیب با

توجه به دیدگاه هوسرل ابتدا گروه مورد بررسی به صورت هدفمند از میان مشاوران و کارشناسان دینی انتخاب شده است تا از لحاظ فکری و عاطفی با مساله مورد پژوهش درگیری داشته باشند و از این طریق علاوه بر تجربیات خود آنان، از موارد مراجعین دانش آموزان به آنان نیز آگاهی صورت گیرد (گال، بورگ و گال، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴۷-۱۰۵۰). اطلاعات بدست آمده از طریق مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته با حداقل زمان مصاحبه ۳۰ دقیقه و حداکثر زمان ۹۵ دقیقه صورت گرفت. علاوه بر آن پرسش‌های کتبی باز پاسخ نیز در اختیار مصاحبه شونده‌گان قرار گرفت و با هر مصاحبه شونده مدت ۱۵ دقیقه پس از مصاحبه به بحث و یادداشت برداری اختصاص داده شد. سپس مطالب مطرح شده در هر سوال به صورت جداگانه نوشته شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از طرفی در این پژوهش از روش زیست‌نگاری نیز استفاده شده است چرا که از طریق این روش می‌توان تجربیات یک یا چند نفر را در مورد یک پدیده و موضوع خاص به صورت حکایت گونه مورد استفاده قرار داد (بازرگان، ۶۸). همچنین روند مصاحبه در فضایی آرام و با ضبط مصاحبه و اطمینان خاطر به مصاحبه شونده‌گان در خصوص مطالب بیان شده اتفاق افتاد. این مصاحبه با پنج مشاور و چهار کارشناس دینی مدارس صورت گرفت. بدین ترتیب در این پژوهش از روش زیست‌نگاری برای بازنمایی تجربیات و از روش پدیدارشناسی برای کشف ماهیت تجربه مشاوران و کارشناسان مذهبی در مورد عملکرد متصدیان تربیت جنسی استفاده شده است.

در مرحله‌ی پایانی سنجش اعتبار یافته‌ها صورت گرفت. برای اعتبار بیشتر مصاحبه‌های انجام شده یکی از فعالیت‌های مشترک، توسط دو نویسنده مقاله این بوده است که یافته‌ها توسط دونفر تحلیل و معنایی شوند، همچنین بعد از تحلیل یافته‌ها، مفاهیم کلی استخراج شده، به مصاحبه شونده‌گان ارسال گردید تا اعتبار یافته‌های پژوهش را مورد ارزیابی قرار دهند که برداشت شخصی نویسندگان مقاله نباشد.

یافته‌های پژوهش

ضرورتی مغفول در نظام تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی ایران

آموزش و تربیت جنسی به عنوان یک مساله در تمامی زمان‌ها برای افراد انسانی وجود داشته است. در گذشته‌ها به گونه‌ای بوده که این آموزش‌ها به وسیله‌ی خود زندگی انجام

می گرفته است و مراسم بلوغی که مردمان به اصطلاح بدوی برپا می کردند نشان دهنده‌ی اتمام دوره‌ای از زندگی و آغاز دورانی جدید است. البته آموزش‌ها به هیچ وجه به صورت آشکارا صورت نمی گرفته است، چراکه افراد اطلاعات خود را از طریق صحنه‌های زندگی بدست آورده بودند؛ و اما موج جدید آموزش‌ها و تظاهرات جنسیت کودکان توسط «فروید» به اثبات رسید و آموزش جنسی این حق را بدست آورد که به عنوان یک مساله اجتماعی موجودیت داشته باشد، این در حالی است که تا قبل از آن، آن چه بتوان آن را قالب آموزش جنسی مد نظر گرفت تنها به سفارشات کتاب مقدس و تمهیدات بیان شده در آن بوده است (دانیو، ترجمه پویان، ۱۴۵-۱۴۶). لذا آموزش جنسی یکی از موضوعات مهم در حوزه‌ی تربیت است و در چگونگی شکل گیری شخصیت انسان نقش مهمی را ایفا می کند، چرا که در افکار، احساسات و عواطف و رفتارهای افراد تاثیرگذار است. اما با وجود اهمیت این موضوع در کشور ما برنامه های مدون و مناسبی وجود ندارد و نوجوانان و جوانان اطلاعات خود را از منابع نامعتبر و با روش های مخرب می آموزند و گاهی نیز اطلاعات کاملی در خصوص اقدام های جنسی خود ندارند (فقیهی، ۵۱).

لذا اهمیت پرداختن به آموزش جنسی توسط ارگان های موثر در قالب آموزش های صحیح و به دوراز مسائل حاشیه ای، آموختن روش های درست مواجه شدن با نوجوانان و دانش آموزان خطاکار و حتی آموزش دادن در خصوص مسائل جنسی به آنان بیش از پیش احساس می شود. اهمیت پرداختن به این قبیل مسائل از آن جهت است که تمامی افراد مورد مصاحبه به اتفاق معتقد بودند آموزش های جنسی برای نوجوانان بسیار لازم و ضروری است. در زیر به مواردی از بیانات مصاحبه شوندگان در خصوص ضرورت تربیت جنسی اشاره شده است:

«غریزه جنسی یک غریزه درونی است که خداوند در انسان به ودیعه گذاشته، لذا سرکوب کردن و در فشار قرار دادن دانش آموزان و عدم پرسش گری آنان بدین معناست که اطلاعات خود را در جایی دیگر جست و جو می کنند» (کارشناس دینی شماره ۲).

«انسان دارای ابعاد مختلف اجتماعی، زیستی، دینی، روانی و... است. در مورد بُعد جنسی نیز لازم است آموزش های جنسی نیز در موعد مقرر داده شود، چرا که انسان از هنگام تولد موجودی کاملاً جنسی متولد می شود، یعنی قبل از این که تربیت دینی و اخلاقی، علمی و.. انجام شود، انسان در قالب یک جنس خاص متولد می شود» (مشاور شماره ۵).

«در دوران بحران هویت که مقارن با بلوغ است، سوالاتی برای دانش آموزان به وجود می‌آید حال اگر از قبل آموزش‌هایی صورت گرفته باشد درصد بروز مشکلات کاهش یافته و تحت اراده خود فرد است اما در غیر این صورت انحرافات به وجود آمده ناشی از عدم آموزش در این حوزه هاست» (مشاور شماره ۴).

بنابراین با توجه به صلاحیت تخصصی مشاوران و کارشناسان دینی، و مواجهه با بسیاری از انحرافات جنسی که در سطح مدارس مشاهده می‌شود و تجاری که کسب کرده‌اند، ضرورت پرداختن به تربیت جنسی از زبان این افراد درگیر در مسائل تربیت جنسی در جامعه فعلی بسیار لازم است. اهمیت و ضرورت پرداختن به این مقوله از تربیت از آن جهت است که اغلب رسانه‌های خارج از کشور کمر همت بر آگاه‌سازی کودکان و نوجوانان ما دارند، در چنین شرایطی اگر آگاهی‌های به موقع و صحیح در اختیار آنان قرار نگیرد تحت تاثیر رسانه‌های غربی و سایر منابع نامعتبر در این حوزه واقع می‌شوند و ما متولیان تعلیم و تربیت زمانی می‌خواهیم وارد این عرصه و آموزش‌هایی در این حوزه شویم که واقعا دیر شده است؛ و آیا به راستی تا اکنون دیر نشده است؟

کشف نقطه‌ی آغاز تا خط پایان در تربیت جنسی

با توجه به نکات بیان شده در باب اهمیت و ضرورت پرداختن به تربیت جنسی، به این سوال برمی‌خوریم که واقعا لازم است این آموزش‌ها از چه سن و مقطعی آغاز گردد؟ آغازی که زود هنگام نباشد و خفتگان را بی‌موقع بیدار نکند و یا تلاش‌هایی که نوش داروی پس از مرگ سهراب نشوند!! زیرا چه بسیارند عوامل از پیش تعیین نشده‌ای که در کودکان و نوجوانان خواسته و ناخواسته تاثیر نامطلوب می‌گذارند، که باید عواقب آن‌ها را تا بزرگسالی مشاهده کرد و به فکر درمان بود، حال آن‌که شعار اصلی ما همیشه «پیشگیری بهتر از درمان است» می‌باشد. بنابراین بر والدین ضروری است تا به عنوان اولین معلمان، با دانستن این‌که آموزش صحیح چیست؟ و زمینه‌های آن را باید از کجا آغاز کرد؟، کمک شایان توجهی به دست‌اندر کاران تربیتی داشته باشند تا آن‌ها بتوانند فعالیت‌های خود را در امتداد راه خانواده ادامه دهند. از طرفی نقش رسانه‌ها در این زمینه بسیار موثر است، کودکان و نوجوانان بسیاری از ساعات روزانه خود را با رسانه‌هایی سپری می‌کنند که گاهی این برنامه‌ها متناسب با سن آن‌ها نیست، علاوه بر آن الگوهایی را ارائه می‌دهند که اغلب تاثیرهای سوء را در نوجوانان برجای

می‌گذارد. اهمیت این رویه در پژوهشی با عنوان آسیب‌های فرهنگی اینترنت مشاهده می‌شود. در این پژوهش تجارب زیسته والدین دانش‌آموزان دختر در دوره متوسطه در خصوص آسیب‌ها فرهنگی اینترنت بیان شده است. یافته‌های پژوهش فوق حاکی از آن است که والدین، اینترنت را حاوی محتوایی متعارض با فرهنگ جامعه ارزیابی کرده‌اند. والدین معتقدند استفاده از محتوای غیر اخلاقی سایت‌های اینترنتی بر هویت ملی، هویت فردی و ارزش‌های دینی و اخلاقی فرزندان‌شان تاثیر منفی داشته است (معمار و قربانی، ۱۳۹۲). لذا اهمیت پرداختن به رسانه‌ها و تاثیر آن‌ها بر کودکان و نوجوانان عاملی بسیار مهم و در خور تامل است.

علی‌رغم این‌که در خصوص آغاز آموزش‌های جنسی به نوجوانان و جوانان در بین مصاحبه‌شوندگان نظریات گوناگونی وجود دارد اما آن‌چه در این خصوص جلب توجه می‌کند اهمیت پرداختن به آن و آغاز آن به صورت تدریجی از دوران ابتدایی است. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«باید به دو حالت اشاره کرد: اولین آموزش‌ها لازم است تا در سنین ۳-۴ سالگی آغاز گردد و پاسخ به پرسش‌های کودکان کوتاه و قانع‌کننده باشند تا موجب بلوغ زودهنگام نشود و این آموزش‌ها به صورت خاص از دوران ابتدایی آغاز گردد. و اما حالت دوم زمانی است که دوفرد برای ازدواج آماده می‌شوند. متأسفانه آموزش‌هایی که در این خصوص صورت می‌گیرد بسیار جزئی و پیش‌پا افتاده‌ای است» (مشاور شماره ۱).

«بیدار شدن غریزه جنسی به نوع برخورد والدین، نحوه پوشش والدین و فرزندان بزرگ‌تر، حضور ماهواره در منازل و... بازمی‌گردد، که زمان آموزش راتحت تاثیر می‌گذارد. اما آن‌چه از دست جامعه برآید اطلاعاتی است که می‌توان در مدرسه توسط معلمان و مشاوران به دانش‌آموزان انتقال داد بنابراین آموزش‌ها را باید از دوران ابتدایی آغاز کرد» (کارشناس دینی شماره ۲).

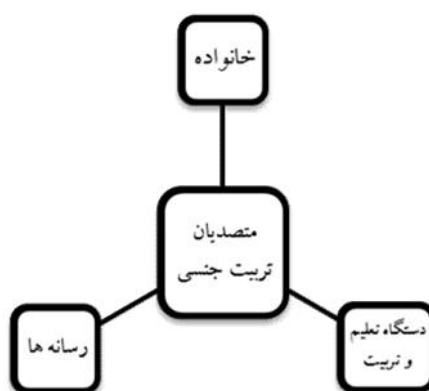
«تربیت جنسی را باید از مقطع ابتدایی به خصوص سال‌های پایانی آن آغاز کرد، اما باتوجه به حساسیت‌هایی که وجود دارد چنین آموزش‌هایی صورت نمی‌گیرد لذا لازم است قبل از ازدواج اطلاعاتی داده شود چرا که در دین مبین اسلام بقای نسل و تربیت فرزند از اهمیت بالایی برخوردار است» (کارشناس دینی شماره ۳).

از مباحث فوق چنین برداشت می شود که آموزش جنسی محدود به دوران خاصی از زندگی نیست و لازم است به تدریج اطلاعاتی به افراد داده شود. نکته حائز اهمیت این است اطلاعات نابه هنگام باعث بلوغ زودرس خواهد شد که در این خصوص عوامل بسیاری دخیل هستند، اما این اطلاعات زودهنگام موجب ازدواج زودهنگام نشده است و حتی سنین ازدواج افزایش یافته است؛ بنابراین بر تمامی متصدیان تربیت واجب است در خصوص زمان و موعد آموزش های جنسی تأملی شایسته داشته باشند.

متولی و متصدی تربیت جنسی

خانواده به لحاظ ظاهری کوچک ترین نهاد اجتماعی است. ولی به جهت ارزش و اهمیت اساس و پایه اجتماع را تشکیل می دهد. لذا اگر در خانواده ها آگاهی و تعهد وجود داشته باشد، پایبندی به موازین اخلاقی و اسلامی نیز به چشم می خورد (صادقیان، ۱۵۲). از طرفی همه ما مدرسه را دومین محیط تربیتی پس از خانواده می دانیم که نقش بسیار تاثیرگذاری در آموزش و رشد شخصیت دانش آموزان دارد چراکه دانش آموزان اکثر اوقات خود را پس از خانه در مدرسه و با دوستان خود می گذرانند. به همین دلیل اگر عوامل تربیتی در مدرسه نقش و وظایف خود را به درستی انجام دهند می توانیم انتظار آینده ای درخشان را داشته باشیم (کاربخش راوری، ۸۳). علاوه بر موارد فوق دیر زمانی است که رسانه های تصویری به خصوص تلویزیون جزئی از خانواده ها و به عنوان عضو فعال و موثر در خانواده درآمده، که در اکثر کشور های جهان این وسیله ارتباط جمعی جایگزین والدین نیز شده و کودکان و نوجوانان، بسیاری از اوقات خود را با آن سپری می کنند (طباطبایی، ۷).

موارد فوق حاکی از نقش مهم و تاثیرگذار سه عامل تربیتی در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان است. اهمیت خانواده به عنوان برترین نهاد برکسی پوشیده نیست به صورتی که تمامی مصاحبه شوندگان خانواده را به عنوان اولین و موثرترین متصدی تربیت جنسی معرفی کردند. مدرسه اولویت بعدی بود که تمامی مصاحبه شوندگان به اهمیت آن اشاره کردند و رسانه های ارتباط توسط (مشاوران شماره ۱، ۲، ۴، ۵) و (کارشناس دینی شماره ۱، ۲، ۳) اشاره شده است.



«خانواده شش سال زودتر از مدرسه وارد عرصه تربیت می‌شود، مدرسه زمانی می‌تواند مفید باشد که محدودیتی وجود نداشته و دانش‌آموزان به ما مراجعه کنند، متأسفانه تربیت دانش‌آموزان برعهده رسانه گذاشته شده که از فعالیتشان از والدین هم بیشتر است با این تفاوت که آموزش‌های خوب و بد را با هم انجام می‌دهند» (مشاور شماره ۱).

«اولین جامعه‌ای که کودک در آن رشد می‌یابد خانواده است. والدین با روحیات فرزندان خود آشنا هستند و ارتباط برقرار کردن یک مادر با فرزندش بسیار راحت‌تر از اولیاء مدرسه است؛ البته نقش مدرسه را نیز نباید نادیده گرفت، این دونهاد باید مکمل هم باشند. همچنین نقش رسانه‌های تصویری به خصوص ماهواره، کار ما را بسیار دشوار کرده‌اند» (مشاور شماره ۲).

«رسالت و نقش خانواده در درجه نخست قرار می‌گیرد، چرا که با فرض فراهم بودن تمامی شرایط در اجتماع و مدرسه، دانش‌آموز می‌تواند در خانواده تربیتی نادرست داشته باشد و آن‌چه راکه نباید بیاموزد، نقطه مقابل مطلب بالا نیز صادق است و مدرسه و دوستان می‌توانند نقش مخربی را در این حوزه ایفا کنند» (کارشناس دینی شماره ۴).

«همه‌ی نهادهای جامعه به نوعی در تربیت جنسی دخیل هستند چرا که ما در یک فضای بزرگ اجتماعی، زندگی می‌کنیم، رکن اول تربیت، خانواده است اما پس از آن مدرسه، رسانه‌های ارتباطی، سازمان تبلیغات اسلامی، اداره فرهنگ و ارشاد، مراکز درمانی و... در این

حوزه مسئولیت دارند» (مشاور شماره ۴).

مباحث فوق حاکی از نقش مهم خانواده در تربیت جنسی دارد. اما آن چه در میان حائز اهمیت است این است که آیا خانواده توانایی چنین فعالیت‌هایی در این حوزه را دارد؟ آیا آموزش‌هایی که لازم است والدین در خصوص آموزش‌های جنسی داشته باشند به قدری صحیح و مناسب و کافی است که بتوانند فرزندان خود را آموزش دهند؟ و آیا مجدداً به اهمیت نقش دستگاه تعلیم و تربیت در این نقطه برخورد نمی‌کنیم که به عنوان آموزش دهنده چه فعالیت‌هایی را در این خصوص انجام داده است و می‌دهد؟ بنابراین شکی نیست اهمیت نقش خانواده به لحاظ تربیتی در درجه نخست قرار دارد، اما علی‌رغم این اهمیت وقتی با نگاهی عمیق‌تر می‌نگریم به این نتیجه می‌رسیم که والدین باید آموزش‌هایی را در این حوزه آموخته باشند، لذا نقش دستگاه تعلیم و تربیت خواه و ناخواه در این مقوله بسیار تاثیرگذار است و فقدان آن خانواده‌ها را با مشکل مواجه کرده است. بنابراین ضرورت دارد دستگاه تعلیم و تربیت به عنوان نهادی آموزش دهنده در این حوزه، وارد عرصه عمل شود. برگزاری جلساتی در خصوص تربیت جنسی و دعوت از والدین در این جلسات یکی از بهترین راه‌ها برای آموزش دادن این ساحت تربیتی می‌باشد. از طرفی جلسات انجمن اولیا و مربیان محیط مناسبی است تا والدین علاوه بر بازخورد وضعیت تحصیلی فرزندان با مباحث فرهنگی، پیامدهای آن و چگونگی فائق آمدن بر چنین آسیب‌هایی آشنا شوند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی روش دیگری است که کارایی خود را در طول زمان اثبات کرده است. لذا دستگاه تعلیم و تربیت می‌تواند از روش‌های این‌چنینی برای انجام رسالت خود در حوزه تربیت جنسی سود جوید.

از جهتی رسانه‌های داخلی و خارجی سهم بزرگی در تحولات داشته‌اند، چراکه موجب روند رو به سقوط اخلاقی در جامعه شده‌اند، که تناسب بسیار نزدیکی با تربیت جنسی دارد. از طرفی بیان نکردن یکسری واقعیت‌های آسیب‌زا در برنامه‌های تلویزیونی خود مانعی در راه تحقق اهداف این نهاد است. در پژوهشی که بر روی پربیننده‌ترین سریال‌های تلویزیونی از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ که برای بازنمایی روابط دختران و پسران انجام شده، از میان انواع روابط منجر به ازدواج تنها رابطه‌ی عاقلانه دوطرفه خوب نمایی شده است و سایر روابط کم و بیش بد نمایی و غیاب نمایی شده‌اند. در این میان روابط مبتنی بر فریب از هر دو طرف و روابط

دختران پسران (بدون قصد ازدواج و بدون قصد فریب! چنانچه در جامعه شاهد چنین روابطی هستیم) در سریال‌های مورد بررسی بازنمایی نشده‌اند؛ این در حالی است که چنین روابطی در میان نوجوانان و جوانان وجود دارد و هر دو حالت این روابط می‌توانند ظرفیت‌هایی برای رمزگذاری پیام‌های مورد نظر صدا و سیما باشند (ذکایی و فتحی‌نیا، ۱۳۹۳).

لذا آنچه از مطالب فوق برداشت می‌شود اهمیت و نقش موثر سه نهاد خانواده، دستگاه تعلیم و تربیت و رسانه است. بنابراین هر یک از آن‌ها در این حوزه رسالت و وظیفه‌ای نیز دارند که توسط مصاحبه‌شوندگان این چنین بیان شده است:

رسالت خانواده

«الگودهی‌های اولیه به کودک در خانه و توسط والدین صورت می‌گیرد از طرفی مسائل خاص و زیربنایی را والدین بسیار راحت‌تر می‌توانند با فرزندان در میان بگذارند» (مشاور شماره ۱).

«برقراری ارتباط صمیمی با فرزندان و آشنایی با خصوصیات و اخلاقیات آنان» (مشاور شماره ۲).

«والدین موظف هستند وقت بیشتری را برای فرزندان خود صرف کنند» (کارشناس دینی شماره ۱).

«قبل از ازدواج، انتخاب همسر مناسب، نقش تغذیه و حلال و حرام و مواردی از این قبیل از وظایف والدین در برابر فرزندان است» (کارشناس دینی شماره ۲).

«جنسیت نقش بسیار موثری در این حوزه دارد از سنین خاص لازم است پدر با پسر و مادر با دختر ارتباطات نزدیکی برقرار کنند و نقش پدر را در تربیت فرزند دختر نباید فراموش کرد» (مشاور شماره ۳).

«مادران باید از ابتدا فرزندان خود را با مسائل اخلاقی و دینی آشنا کنند و اطلاعات لازم را در اختیار آنان قرار دهند» (کارشناس دینی شماره ۳).

«نوع برخورد والدین با فرزندان نقش بسیار مهمی دارد، از طرفی باید اطلاعات متناسب با سن فرزندان داده شود تا بلوغ زودرس اتفاق نیفتد» (مشاور شماره ۵).

یکی از مهم‌ترین علل ابتلای نوجوانان به انحرافات جنسی، به کنجکاوی‌های هدایت نشده آنان در دوران کودکی باز می‌گردد. حال اگر به این روند عدم توجه و مراقبت خانواده‌ها را

بیافزاییم، یک رابطه علت و معلولی ایجاد می شود. کودکان بر اساس غریزه علاقه مندند که بدانند، حال اگر این کنجکاوی به صورت درست هدایت شود، پایه های اولیه ساختمان معرفت و دانش را بنا می کند و چنانچه این غریزه پر قدرت با بی قیدی و بی مسئولیتی والدین و اطرافیان همراه باشد مسیرهای نامطلوبی را انتخاب می کند. نوجوانان به واسطه کمبود تجربه و اطلاعات در این زمینه ها امکان بیشتری در قرار گرفتن در خطا و لغزش دارند، لذا از وظایف والدین و محیط اجتماعی است که متناسب با مراحل سنی آنان را با مقتضیات آن دوره آگاه کنند، اما متأسفانه عدم آگاهی، غفلت و بی خبری از عواقب اعمال جنسی، نوجوان را به سهل ترین و فوری ترین روش برای ارضای نیازهای خود هدایت می کند و این درست زمانی است که علاوه بر حلقه ی مفقوده ی آگاهی و اطلاع، والدین غافل تر از فرزندان، سرگرم اشتغالات خود هستند. لذا بی خبری نوجوان با ناآگاهی و غفلت والدین و خانواده پیوند خورده و حاصل آن دور باطلی است که موجب تباه شدن آینده نوجوان می شود (شرفی، ۱۵۳-۱۵۴).

لذا والدین موظف هستند آگاهی هایی را در خصوص مسائل جنسی به صورت مستقیم و غیر مستقیم در اختیار فرزندان قرار دهند؛ از طرفی نقش خانواده محدود به ارائه اطلاعات صرف نیست بلکه والدین باید مراقب روابط زناشویی خود نیز باشند. متأسفانه عدم رعایت ملاحظات اخلاقی از جانب والدین در روابط زناشویی از یک سو و عدم آگاهی و روابط نادرست با فرزندان از سوی دیگر این مساله را خطیرتر می کند، به گونه ای که برخی والدین نه تنها مراقب اعمال جنسی خود در مقابل فرزندان نیستند بلکه با در آغوش گرفتن و یا بوسیدن های نامناسب و عدم توجه به بیماری های عفونی و انگلی، موجبات تحریک فرزندان خود را فراهم می کنند و ناخواسته موجب بلوغ زود هنگام و تباهی آینده فرزندان می شوند. از طرفی برخی از خانواده ها نیز به دلیل عدم توجه به نیازهای عاطفی فرزندان، زمینه ساز روابط نامشروع و دوستی های بی اساس را رقم می زنند، لذا خانواده به عنوان اولین نهاد تربیت نقش خود را وارونه انجام می دهد.

رسالت مدرسه

«با توجه به پیشرفت علم و صنعت و ابزارهای ارتباطی نقش و رسالت مدرسه روزافزون می شود، زیرا برخی از خانواده ها در مورد چگونگی استفاده از وسایل و حتی امکانات این وسایل آگاهی ندارند» (کارشناس دینی شماره ۴).

«مدرسه با دارا بودن عواملی مانند مشاور و مربی پرورشی می تواند بسیاری از اطلاعات را در اختیار دانش آموزان و حتی والدین قرار دهد البته در این حوزه محدودیت هایی برای مدارس وجود دارد» (مشاور شماره ۴)

«بسیاری از دانش آموزان ارتباطات خوبی با والدین خود ندارند و ترجیح می دهند برخی مشکلات را با ما (مشاوران) در میان بگذارند حال این بسته به اطلاعات و هنر ماست که چگونه جای خالی خانواده را پر کنیم» (مشاور شماره ۳).

«مدرسه باید آموزه های دینی را در قالب های جدید ترویج دهد تا با مخالفت و ممانعت دانش آموزان مواجه نشود» (کارشناس دینی شماره ۳).

«عوامل مدرسه باید کارکرد غریزه جنسی را بدانند و آن را در جهت صحیح خود رشد دهند تا دانش آموزان در جهت کنترل و تعدیل قوای جنسی به کمال مطلوب برسند» (کارشناس دینی شماره ۲).

«ارتباط میان والدین و اولیاء مدرسه بسیار حائز اهمیت است و بدون کمک گرفتن از والدین برطرف کردن مشکلات بسیار دشوار است چراکه فعالیت این دو نهاد مکمل یکدیگر است» (مشاور شماره ۳).

مدرسه همانند پلی است که نوجوان را با جامعه پیوند می دهد. بنابراین مدرسه می تواند کودک و به خصوص نوجوانان را، افرادی موثر، فعال و مفید برای جامعه تربیت کند. بدین ترتیب دستگاه تعلیم و تربیت موفق همانند پلی روشن و نورانی است که نوجوان را با دنیای جدید آشنا می کند (شرفی، ۲۷۹). آموزش های مدرسه همان قدر که می تواند موثر و مفید واقع شود و دانش آموزانی با آرمان های متعالی تربیت کند، همان قدر نیز می تواند آموزش هایی مضر و نامناسب داشته باشد و یا با عدم توجه به آموزش چنین مباحثی افرادی لذت طلب را تحویل جامعه دهد؛ لذا مساله اصلی که باید مورد ارزیابی قرار گیرد ناکامی دستگاه تعلیم و تربیت و وجود محدودیت هایی در این حوزه است که نه تنها در مواقعی لازم نیست، بلکه علل بسیاری از انحرافات را باید در این محدودیت ها جست و جو کرد. یکی از مهم ترین عوامل انحرافات جنسی عدم توجه والدین به پرسش های جنسی فرزندان است که با هاله ای از ابهام و اسرار رها می شوند. لذا مدرسه محیط مناسبی برای یافتن پاسخ بسیاری از سوالات آنان است. حال اگر عوامل مدرسه به این پرسش ها پاسخی ندهند و یا پیشاپیش اطلاعات لازم را در اختیار

دانش آموزان قرار نداده باشند گروه دوستان که جزئی از عواملان تربیتی مخفی در مدرسه هستند وارد عرصه عمل می شوند و با ذوق و شوقی بسیار اطلاعات ناقص و گاه نادرست را انتقال می دهند؛ از طرفی عدم وجود مشاور و یا مربی بهداشت در مدارس ابتدایی و متوسطه اول و همچنین فقدان محتوای آموزشی در قالب برنامه درسی در این حوزه، زمانی عواملان تربیت را آگاه می کند که گویا تلاش های آنان آب در هاون کوبیدن است.

لذا متأسفانه نقش مدرسه به عنوان ارگانی برای تربیت کردن و آموزش دادن محدود به برنامه های تحصیلی شده و رسالت اصلی خود را که تربیت دانش آموزانی متخلق به اخلاق حسنه باشد را در الویت های بعدی قرار داده است. کمبود آموزش های لازم در این مقوله و عدم توجه به مسائل فرهنگی در مدارس، به همراه محدودیت هایی که در زمینه ی تربیت جنسی در آموزش و پرورش وجود دارد نقش مدرسه را به عنوان نهادی آموزش دهنده وارونه کرده است؛ چراکه سکوت و عدم آموزش های لازم از جانب عوامل مدرسه به معنای عدم آموزش در این حوزه نیست. بنابراین مدرسه بار دیگر آموزش دهنده است، اما آموزش دهنده ای وارونه چراکه، آموزش های مریبان و عوامل مدرسه کجا و آموزش های نادرست گروه همسالان کجا!!

رسالت رسانه ها

«نقش و تاثیر رسانه ها بسیار زیاد است زیرا دانش آموزان بسیاری از اوقات خود را با رسانه ها سپری می کنند» (کارشناس دینی شماره ۱).

«نقش اصلی رسانه ها در الگودهی به دانش آموزان است که متأسفانه به صورت درست انجام نمی شود. این انتظار از ماهواره نیست اما رسانه های داخلی نیز با الگو قرار دادن افراد فاقد خصلت های اخلاقی و دینی کار تربیت خانواده ها را بسیار دشوار می کنند» (کارشناس دینی شماره ۳)

«رسانه ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم به دانش آموزان و فرزندان آموزش می دهند، آگهی های تبلیغاتی سطح توقع فرزندان را بالا برده و در بسیاری از فیلم ها نه تنها نکات مثبتی آموزش داده نمی شود بلکه سوالات زود هنگام بسیاری، نیز به وجود می آورد» (مشاور شماره ۲).

«متأسفانه فعالیت رسانه ها همسو با خانواده و مدرسه نیست، اگر رسانه های داخلی

اطلاعات و آگاهی‌هایی همسوبا دین و آموزه‌های خانواده و مدرسه انجام ندهند (که بسیار نادر به چشم می‌خورد)، رسانه‌های غربی این عمل را بالعکس انجام می‌دهند» (مشاور شماره ۵).
تاثیر نامطلوب رسانه‌های ارتباط جمعی محدود به کشورهای اسلامی نمی‌شود، مدارک و مستندات بسیاری نشان‌دهنده اعمال جنسی و خشونت‌های جنسی توسط کودکان و همچنین سوءاستفاده‌های جنسی از کودکان در آمریکا وجود دارد. پژوهش ملوین زلنیک (M. zelnick) و جان کانتنر (J. kantner) از دانشگاه جان هاپکینز به این نتیجه رسید، که عملیات جنسی زنان و دختران سیزده تا نوزده ساله که هنوز ازدواج نکرده اند از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۶ سی درصد افزایش داشته است؛ همچنین ۵۵ درصد دختران جوان آمریکائی زیرنوزده سال از لذات جنسی بهره‌مند بوده و هم‌خوابگی خارج از حوزه زناشویی در نظرشان امری طبیعی جلوه می‌کند (پستمن، ۲۷۱-۲۷۲). البته تردیدی نیست که از این مقوله مشکلات و مسائل جنسی در کشورمان نیز وجود دارد، در شهرستان مورد بررسی در سال ۱۳۸۶-۱۳۸۷ تحقیقی در مورد رضایت از هویت جنسی صورت گرفته است، طی این تحقیق در یک مدرسه ۲۴۰ نفری ۷۵ درصد از دختران رضایتی از هویت جنسی نداشته‌اند. بنابراین تردیدی نیست که رسانه‌های ارتباط جمعی در این امور سهم بسزایی داشته‌اند و شاید هم مهم‌ترین عامل، حذف مرزهای اخلاقی و حرمت‌زدایی از روابط جنسی زنان شوهردار و خردسالان و نوجوانان بوده است. پستمن معتقد است در اغلب برنامه‌های رسانه‌های غربی، پرده‌داری، تحریکات جنسی، حذف قداست‌های دینی و اخلاقی، نادیده گرفتن و تبلیغ مستقیم و غیرمستقیم عدم ضرورت به پابندی‌های سنتی و روابط زناشویی، نمایش حرکات سکس و تحریک تماشاگران نوجوان و جوان وجود دارد (پستمن، ترجمه طباطبایی، ۲۷۱-۲۷۲). از طرفی یک کودک تا حدود سن شانزده سالگی همان قدر از وقت خود را که صرف معلم و مدرسه می‌کند، صرف تماشای تلویزیون نیز می‌کند و مطالبی را به صورت غیر مستقیم از آن می‌آموزد. آنان تلویزیون را با هدف سرگرمی مشاهده می‌کنند اما اطلاعاتی نامناسب، زیاد و نادرست را می‌آموزند (شرام، لایل و پارکر، ترجمه حقیقت کاشانی، ۱۱۷-۱۱۸).

البته لازم به ذکر است که اغلب برنامه‌های ماهواره با هدف سرگرمی ساخته نمی‌شوند بلکه اهدافی ورای ساخت و دوبله یک فیلم وجود دارد. مگر در سطح جهانی چند کشور پارسی زبان وجود دارد که آنان چنین هزینه‌های گزافی را صرف ترجمه و دوبله فیلم‌های خود به زبان

پارسی می کنند؟! لذا می توان چنین نتیجه گرفت نقش رسانه‌ها به عنوان زیرمجموعه نهاد فرهنگ نه تنها موثر واقع نشده است بلکه مخرب نیز بوده و این تنها به رسانه‌های بیگانه محدود نمی‌شود چرا که رسانه‌های داخلی نیز تأثیرات منفی فراوانی دارند که می‌توان به الگوهای فوتبالی و بازیگران اشاره کرد که رفتار و پوشششان نه تنها در راستای اهداف تعلیم و تربیت اسلامی نیست بلکه کاملاً مغایر آن است و غیر مستقیم آموزش‌هایی دارند که حتی تلاش والدین و مسئولان تعلیم و تربیت برای نادرست نشان دادن آن‌ها بی‌نتیجه است. از طرفی اکثر بازی‌های طراحی شده برای کودکان و نوجوانان مغایر اعتقادات مذهبی و رسوم‌های ملی ما می‌باشند. بنابراین چشم‌پوشی از نقش هریک از عوامل فوق می‌تواند آینده فرزندان این سرزمین اسلامی را با خطر مواجه کند.

شرم و حیا بر دو سمت یک طیف

غریزه جنسی در همه‌ی افراد وجود دارد. آموزش امور جنسی از نمونه مسائلی است که از وظایف والدین است، چرا که عدم آگاهی فرزندان و یا کسب اطلاعات از منابع نامعتبر ممکن است خطرات بسیاری را برای آن‌ها به وجود آورد (قائمی، ۲۵۶). امامت‌اسفانه در کشور ما عارضه‌ای به نام شرم و حیا بر سر طیف تربیت جنسی حضور دارد. در یک سمت این طیف شرم و حیایی مذموم واقع شده است که مانع از برقراری ارتباط صحیح میان والدین و فرزندان و ارائه اطلاعات می‌شود. میزان این حیای نادرست حتی زمینه‌های فرهنگی ما را نیز در برگرفته است تا جایی که در سند تحول آموزش و پرورش با آن حجم و گستردگی تنها عبارتی که آن هم با نام تربیت زیستی و بدنی بیان شده است در قالب عبارت زیر به چشم می‌خورد، «درک ویژگی‌های زیستی خود و پاسخ‌گویی مسئولانه به نیازهای جسمی و روانی خویش از طریق تعدیل غرایز و تمایلات و عواطف طبیعی، تقویت قوای جسمی و روانی و مبارزه با عوامل ضعف و بیماری براساس نظام معیار اسلامی» (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۵۶) و متأسفانه با نام تربیت جنسی ساحتی در این سند بیان نشده است این در حالی است که تربیت جنسی پیوندی ناگسستنی با تربیت دینی و اخلاقی و حتی با سایر ساحت‌های تربیتی دارد و اهمیت پرداختن به آن بسیار مهم و ضروری تلقی می‌شود؛ لذا سکوت متولیان تربیت، در سند تحول تربیت رسمی و عمومی در خصوص تربیت جنسی، خود گواهی بر رویکردی همراه با یک شرم مذموم می‌باشد که ناشی از

برداشت‌های نادرست اعضای جامعه است و جالب‌تر آن که حتی این نگرش تا تدوین چنین سندی توسط صاحب نظران نیز رسوخ کرده است!!

از طرفی عفاف و پاکدامنی به عنوان یک حالت درونی است که در آن نیروی شهوانی انسان توسط نیروی عقل و ایمان تحت کنترل درمی‌آید (مطهری، ۱۰۴)، بنابراین برهر پدر و مادری واجب است تا در رابطه با تقویت ایمان و اخلاق در فرزندان خود بکوشند و بخشی از آموزش‌هایشان در خصوص حجب و حیای متعادل و متوازن در فرزندان باشد، چرا که گاهی اوقات علل انحراف برخی از کودکان و نوجوانان جرات و جسارت و پرورشی فوق‌العاده است (قائمی، ۲۵۹) که نه تنها با نظارت والدین همراه نبوده است بلکه گاهی اوقات والدین فرزندان را در این امور همراهی کرده‌اند. بنابراین در سمت دیگر این طیف نوعی بی‌پروایی و شرم و حیایی از میان رفته مشاهده می‌شود. شرم و حیایی که امروزه کمتر شاهد آن هستیم. لذا متأسفانه رویه جامعه ما به تربیت جنسی رویه‌ای نامتعادل است که تمامی مصاحبه‌شوندگان مخالفت خود را با این رویه اعلام کرده‌اند.

شرم و حیای مذموم ناشی از فقدان آگاهی و بینش

«تربیت جنسی باید متناسب با زمان صورت گیرد زیرا ما با موجی از رسانه‌ها مواجه هستیم که در حال آموزش‌اند، اتفاقات جنسی وجود دارند ما نباید سرمان را زیر برف کنیم زیرا پیشگیری بهتر از درمان است» (مشاور شماره ۱).

«همان‌گونه که از کودکی باید فرزندان خود را از نظر اقتصادی آموزش دهیم تا قانع اما خودکفا بارآیند مسائل تربیت جنسی نیز باید اطلاع‌رسانی شود، شرم و حیا بهانه‌ای بیش نیست مشکل ما کاستی و نبود آگاهی والدین و حتی عوامل مدرسه است» (مشاور شماره ۵).
«اگر نظام تعلیم و تربیت ما در این امر در حال رفتن باشد غرب و آمریکا در حال دویدن هستند و آموزش‌های بی‌اساس خود را انتقال می‌دهند بنابراین باید برخی مطالب را با موازین دینی و واضح بیان کرد تا سوء تعبیر نشود» (کارشناس دینی شماره ۲).

«شرم و حیایی که مانع از گفتن حقیقت باشد بسیار ناپسند است، مزاحمت‌ها و حتی تجاوزهای جنسی و عدم شکایت از چنین افرادی از ترس آبرو اصلاً جایز نیست» (کارشناس دینی شماره ۴).

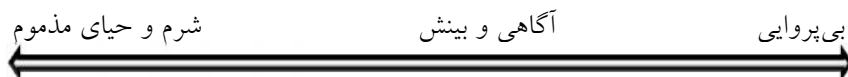
بی‌پروایی و شرم و حیای در حال نابودی

«شرم ترس از انجام یک عمل ناپسند و حتی حیای پس از انجام کار نادرست در حال نابودی است، این در حالی است که در دین ما به این حیا و عفت بسیار سفارش شده است» (کارشناس دینی شماره ۱).

«شرم و حیا در مورد یکسری مسائل ضروری است و احتمال دارد موجب بلوغ زودرس و بروز یکسری مشکلات در آینده شود» (مشاور شماره ۳).

«گاهی اوقات خود والدین باعث می‌شوند قبح یکسری مسائل ریخته شود و حتی گاهی خودشان فرزندان را در روابط با جنس مخالف همراهی می‌کنند» (کارشناس دینی شماره ۳) «ما با بی‌پروایی جنسی مخالفیم و معتقدیم که نباید خطوط و حریم‌ها بین والدین و فرزندان از میان برود، گاهی اوقات شاهد اموری از جانب والدین هستیم که حرفی برای گفتن به دانش‌آموزان باقی نمی‌ماند» (مشاور شماره ۴).

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت مشکل اساسی ما در تربیت جنسی علاوه بر شرم و حیای مذموم و بی‌پروایی‌های نامناسب و عملکرد وارونه‌ی این سه نهاد، کمبود و حتی نبود بینش و آگاهی‌های لازم از جانب خانواده، دستگاه تعلیم و تربیت و رسانه است؛ بنابراین می‌توان میانه و حد تعادل این طیف را با بینش و آگاهی‌های معتبر و مناسب جبران کرد.



شرم و حیای نادرست حاکم بر فضای خانواده‌ها تأثیرات بسیار نامطلوبی بر آینده فرزندان می‌گذارد. آن‌ها دیگر به والدین خود به مثابه یک دوست نمی‌نگرند و مشکلات خود را با آنان در میان نمی‌گذارند و خود سعی در حل مسائلی دارند، که نه اطلاعاتش را دارند و نه تجربه‌اش را. در این خصوص نمونه‌ای از مثال‌های بسیار مشاوران را اشاره می‌کنیم: «اولین بار وقتی عادت ماهانه شدم، این مورد را با مادرم در میان گذاشتم، مادرم زد توی گوشم و گفت: تو چطور دختری هستی که به این راحتی در مورد این مسائل صحبت می‌کنی» (مشاور شماره ۲). «اولین باری که پسر همسایه مان توی کوچه برایم مزاحمت ایجاد کرد وقتی به خانه رسیدم با مادرم در میان گذاشتم. مادرم در کمال ناباوری گفت: حتما خودت یه کاری کردی که بهت متلک گفته و مزاحمت شده» (کارشناس دینی شماره ۱).

از طرفی ناآگاهی والدین و تابونسبت به مسائل جنسی در میان خانواده‌ها خود معضل بسیار پیچیده و دشواری است که عوامل مدرسه با آن دست و پنجه گرم می‌کنند. «روز قبل در یک کلاس در مورد خودارضایی صحبت کردم. همین امروز صبح یکی از والدین تماس گرفت و گفت: با این حرف‌ها بیشتر چشم و دل فرزندم را باز می‌کنید. واقعا عقاید برخی خانواده‌ها مانع از انجام رسالت ما می‌شود» (مشاور شماره ۲). به راستی آیا صحبت‌های دلسوزانه مشاور در مدرسه فرزندان ما را از خواب جنسی بیدار می‌کند و یا ماهواره‌هایی که شب تا صبح والدین به تماشای فیلم‌های آن می‌پردازند، یا گوشی موبایل میلیونی که در دست یک کودک و نوجوان می‌بینیم و یا صحبت‌های محرمانه فرزندانمان با دوستان در خلوت؟

تمامی مباحث فوق زمینه‌سازان روابط نامشروع با جنس مخالفانند، که متأسفانه وضعیت موجود و فعلی جامعه چنین است. مصاحبه‌شوندگان از میان انواع روابط و بی‌اخلاقی‌های جنسی در سطح مدارس شایع‌ترین آن‌ها را روابط دوستانه در قالب‌های پیامکی، تلفنی، دیدار و در نهایت روابط جنسی می‌دانند که به دلایل گوناگون، پیامدهای جبران‌ناپذیری رقم می‌زنند. لذا شناخت مشکلات وضعیت موجود و عملکرد وارونه‌ی متصدیان تربیت می‌تواند به بهبود روند تربیت جنسی و نزدیک‌تر شدن به وضعیت مطلوب کمک رساند. در زیر موانع و مشکلات عدم دستیابی به وضع مطلوب و در نهایت پیامدهای ناشی از رویه نادرست فعلی تربیت جنسی در جامعه، از زیر پوست صحبت‌های مشاوران و کارشناسان دینی به تصویر کشیده شده است که تامل و تلاش در جهت رفع هرکدام از این موانع، جامعه را به وضع مطلوب در تربیت جنسی هدایت می‌کند.

وضعیت موجود	خانواده	مدرسه	رسانه
دلایل انحرافات جنسی	بی‌کاری تنهایی مشکلات مالی خلا عاطفی عدم علاقه‌مندی به تحصیل بی‌پروایی، جرات و جسارت برای تجربه کردن روابط	بی‌توجهی به روابط دوستانه دونفره عدم نظارت آگاهانه، مناسب و غیر ملموس دانش‌آموزان تنبیه، تحقیر و طرد کردن	- زمینه‌ساز تحریکات جنسی در خلوت - آموزش‌های زودهنگام و بلوغ زودرس



<p>- عدم توجه به الگوپردازی های مناسب</p> <p>- در دسترس بودن بازی های رایانه ای نامناسب</p> <p>- کمبود بازی های ملی و مذهبی</p> <p>- کتاب های رمان جنسی (گوشی موبایل)</p> <p>- آموزش ناخواسته روابط نامشروع و پنهانی</p>	<p>- فقــــــــــــدان آموزش های لازم و بی پاسخی مانند بسیاری از سوالات</p> <p>- محدودیت های آموزش این حوزه</p> <p>- فقدان مشاور در مقطع ابتدایی و متوسطه اول</p> <p>- عدم محتوای آموزشی در قالب کتاب و یا فصلی از یک کتاب</p> <p>- عدم اطلاعات کافی عوامل مدرسه</p> <p>- مدرسه محیطی برای ردوبدل شدن جدیدترین فیلم ها و بازی های ناپسند اخلاقی</p>	<p>- شرم و حیای مذموم در بیان آموزش های جنسی صحیح</p> <p>- پوشش نامناسب در منزل</p> <p>- عدم رعایت ملاحظات اخلاقی و روابط زناشویی والدین</p> <p>- نبود نظارت آگاهانه بر تغذیه فرزندان</p> <p>- فقدان آگاهی و بینش لازم</p> <p>- روابط عاطفی و دوستانه ای کم رنگ والدین با فرزندان</p> <p>- کم توجهی به بیماری ها انگلی ، عفونی و قارچی</p> <p>- ضعف بنیه مذهبی و دینی</p> <p>- بی توجهی به کنجکاوی ها</p> <p>- همراهی والدین با فرزندان در روابط با جنس مخالف</p> <p>- مشکلات خانوادگی مانند طلاق</p>	<p>اجتماعی</p>	
<p>- تحریکات بصری در خلوت و خودارضایی</p>	<p>- افت تحصیل</p> <p>- عدم آداب معاشرت</p> <p>- خطاکار و خلافکار جلوه دادن و تاکید بر عدم بازگشت</p> <p>- تنبه و انحراف</p>	<p>- گوشه گیری ، انزوا و عدم ارتباطات اجتماعی</p> <p>- افسردگی و مشکلات روانی</p> <p>- عصبانیت و پرخوردهای شدید</p> <p>- خودکشی و خودزنی</p> <p>- از بین رفتن عزت نفس</p>	<p>پيامدهای انحرافات جنسی فردی</p>	

<ul style="list-style-type: none"> - ساخت فیلم برای بد - نمایی روابط با جنس - مخالف و آموزش‌های غیر - مستقیم به کودکان و نوجوانان - ایجاد بدبینی نسبت به جنس مخالف 	<ul style="list-style-type: none"> - تشویق سایر دانش‌آموزان و ترویج فساد - اطلاعات زودهنگام و بلوغ زودرس - بیان تجربه ارتباطات و تصور باطل «اتفاقی نمی‌افتد» 	<ul style="list-style-type: none"> - سست شدن بنیاد خانواده - سرشکستگی خانواده - درخطر افتادن موقعیت ازدواج - اخاذی جنس مخالف - ایجاد محدودیت شدید برای فرزندان خود - شک و سوءظن پس از ازدواج - بالا رفتن آمار طلاق 	اجتماعی	
---	---	---	---------	--

نتیجه‌گیری

دوران کودکی و نوجوانی یکی از مهم‌ترین صحنه‌های زندگی هر فرد است که تاثیر بسزایی در زندگی بزرگسالی خواهد داشت. در این دوران به واسطه حس کنجکاوی و پرسش‌گری سوالات بسیاری برای کودکان و نوجوانان به وجود می‌آید که پرسش‌های جنسی به دلیل منعیات بیش از حد و جذابیت، توجه آنان را به سوی خود جلب می‌کند. عدم آگاهی و اطلاعات ناکافی والدین و سایر نهادهای مرتبط، آنان را به گروه همسالان سوق می‌دهد تا پاسخی هر چند نادرست را برای پرسش خود بیابند. لذا نقش نهاد خانواده در الویت تربیت جنسی بسیار مهم تلقی می‌شود. پس از خانواده مدرسه و رسانه‌ها وظیفه‌ی این امر خطیر را برعهده دارند که متأسفانه شرم و حیا از گفت‌وگوی واضح درباب این مسائل در مدرسه و عدم توجه در رسانه‌ها برای پردازش الگوهای برتر راه را برای آموزش‌های نادرست و منابع آموزشی نامعتبر باز می‌کند.

در نهایت با نگاهی هرچند گذرا به مشکلات و مسائل جنسی که در سطح کشور و در مدارس مشاهده می‌شود، می‌توانیم به رویه‌ی نادرست در خصوص مسائل جنسی پی ببریم، چرا که اگر قرار بود این رویه درست باشد و جواب بدهد باید تا به حال نه تنها چنین مشکلاتی نداشته باشیم بلکه پیشرفت‌هایی نیز صورت گرفته باشد؛ لذا انحرافات که مشاهده می‌شود نشان‌دهنده عدم کارایی و حتی نقش آفرینی وارونه‌ی فعالیت‌های عاملان تربیت جنسی است. مهم‌ترین فعالان عرصه تربیت جنسی که در این پژوهش نیز به رسالت آن‌ها اشاره شد

خانواده، دستگاه تعلیم و تربیت و رسانه‌ها هستند. اما متأسفانه عملکرد وارونه و نادرست این سه نهاد تربیتی مشکلاتی را در تربیت جنسی ایجاد کرده است، چرا که فاصله وضعیت موجود تا وضعیت مطلوب و شکاف به وجود آمده روز به روز توسط عوامل ناکارآمد و آموزش‌های وارونه‌ی این نهادها پر می‌شود. لذا با تاملی عمیق به یافته‌های پژوهش لازم است تا وضعیت موجود و مطلوب این رویه مشخص شود و آن‌گونه که شایسته است این شکاف را پر کرد.

تربیت جنسی در خانواده: وضعیت موجود: فقدان آگاهی و بینش، غفلت والدین و احساس بی‌نیازی به آموزش خود و کودکانشان در این‌باره، کنجکاوی‌های هدایت نشده نوجوانان، عدم رعایت ملاحظات اخلاقی در روابط والدین، عدم توجه به نیازهای عاطفی فرزندان، همراهی والدین با فرزندان در روابط با جنس مخالف.

وضعیت مطلوب: روابط دوستانه والدین و فرزندان، آگاهی‌های مناسب و به‌موقع برای ارضای حس کنجکاوی نوجوان، جلوگیری از بی‌پروایی‌های جنسی.

تربیت جنسی در مدرسه: وضعیت موجود: فضایی سختگیرانه و آموزش‌های مبهم و اندک، دوستان مدرس با آگاهی اندک و اطلاعات نامعتبر، ناکامی و سکوت عاملان تعلیم و تربیت در مقابل محدودیت‌های نابجا.

وضعیت مطلوب: تدوین محتوای آموزشی مناسب در قالب برنامه‌ی درسی، افزودن مشاور به کادر آموزشی مدارس ابتدایی و متوسطه اول، تغییر رویه‌ی فعلی مبتنی بر شرم و حیای مذموم ناشی از فقدان آگاهی و بینش.

تربیت جنسی توسط رسانه: وضعیت موجود: بالابردن سطح توقعات کودکان و نوجوانان، آموزش‌های زود هنگام و نامناسب، معمول جلوه دادن روابط پنهانی با جنس مخالف، ترویج الگوهای نامناسب، دمیدن در کوره تحریک‌های جنسی و گام نهادن در مسیر بلوغ زودرس.

وضعیت مطلوب: توجه به سن مخاطبان در تولید برنامه‌ها، استفاده از الگوهای مثبت و ارزشی در رسانه‌های تصویری، استفاده از جذبه‌های معنوی در برنامه‌های نوجوان، اقناع والدین در عدم استفاده از رسانه‌ی غیرمجاز.

منابع

انله، ایزولده، *مشکلات رفتاری کودکان*، ترجمه سپیده خلیلی. چاپ سوم، نشر پیدایش، تهران، ۱۳۸۳.

مآلی بر نقش آفرینی واروژ مشیدان تربیت جنسی و تریتم رسالت... ۱۳۷

بازرگان، عباس، *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و کمی و آمیخته؛ رویکردهای متداول در علوم رفتاری*، نشر دیدار، تهران، ۱۳۸۷.

بهشتی، محمد. «تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی»، *نشریه تربیت اسلامی*، دوره ۵ دوم، شماره سوم، ۱۳۸۵، ۸۹ - ۱۱۳.

پستمن، نیل، *نقش رسانه‌های تصویری در زوال دوران کودکی*، ترجمه صادق طباطبایی، چاپ سوم، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۸.

ذکایی، محمدسعید و محمد فتحی‌نیا، «فرهنگ تلویزیونی؛ بازنمایی روابط دختران و پسران جوان در سریال‌های ایرانی پربیننده»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، سال بیست و یکم، شماره دوم، ۱۳۹۳، ۱۵۹ - ۱۸۳.

شرام، ویلبر. لایل، جک. بی‌پارکر، ادوین، *تلویزیون در زندگی کودکان ما*، ترجمه محمود حقیقت کاشانی. چاپ اول، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران امور مطالعات و تحقیقات، تهران، ۱۳۷۷.

شرفی، محمدرضا، *دنیای نوجوان*، چاپ پنجم، انتشارات موسسه فرهنگی منادی تربیت، تهران، ۱۳۸۱. صادقیان، احمد، *معارف از قرآن*، چاپ اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ۱۳۸۹. طاهرپور، محمدشریف. شرفی، محمدرضا، «تبیین مبانی هستی‌شناسی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام»، *فصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال سوم، شماره اول، ۱۳۹۰، ۵۳ - ۷۵.

فقیهی، علی‌نقی. شکوهی‌یکتا، محسن. پرند، اکرم. «آموزش جنسی به کودکان و نوجوانان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان‌شناختی»، *فصلنامه علمی تخصصی تربیت اسلامی*، سال سوم، شماره هفت، ۱۳۸۷، ۵۱ - ۸۰.

قائمی، علی، *خانواده و مسائل جنسی کودکان*، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۶۸.

کاربخش راوری، ماشاالله، *چگونه کودکان و نوجوانان را به مطالعه علاقه‌مند کنیم؟*، چاپ پنجم، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۹۰.

گال. مردیت، بورگ. وال‌تر و گال. جويس، *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ترجمه احمد رضا نصر و همکاران، چاپ ششم، نشر سمت، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۱۳۹۲.

مطهری، مرتضی، *تعلیم و تربیت در اسلام*، چاپ هفتاد و دوم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۹۰. مطهری، مرتضی، *اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب*، چاپ بیست و نهم، انتشارات صدرا، تهران،

۱۳۸* مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه ملهر، خانواده و تربیت نخبی

۱۳۸۹.

معمار، ثریا. قربانی، فاطمه. «تجارب زیسته‌ی والدین دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه در خصوص آسیب‌های فرهنگی اینترنت (مورد مطالعه: شهر سمیرم)»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، سال بیستم، شماره سوم، ۱۳۹۲، ۱۲۹ - ۱۵۳.

مورالی دانیو، آندره، *جامعه‌شناسی روابط جنسی*، ترجمه حسن پویان، چاپ دوم، انتشارات توس، تهران، ۱۳۸۴.

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله